

روزنامه شرق یادنامه . اندیشه	
نقد و بررسی ترجمه آثار «دیوید هاروی» به فارسی	صفحه ۸
دموکراسی واسطوره غار، ترجمه منتشر نشده‌ای از محمود عبادیان	صفحه ۸
بایدها و نبایدهای انجام در مان های ار تودنسی	صفحه ۱۰

نگاه	
سایه روشن‌های روزنامه‌نگاری	
اسماعیل عباسی نویسنده و روزنامه‌نگار	

روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران پس از عبور از یک تاریخ پرفرازونشیب و سایه روشن‌های سیاسی در دوره‌های گوناگون به دستاوردهای ارزشمندی رسیده است. نرم‌نویسی و رسیدن به زبانی درخرو که برای اکثریت جامعه قابل دریافت است از جمله این موفقیت‌هاست. حضور صدها روزنامه‌نگار با تحصیلات دانشگاهی و احاطه خوب آنها به علوم‌اجتماعی، انسانی و فلسفه نیز از رهاوردهای گرآنقدر حرفه روزنامه‌نگاری در دوران معاصر است. اما یک مساله که حاصل دو برداشت متضاد و متقابل میان روزنامه‌نگاران و بعضی از دولت‌ها در ادوار گوناگون بوده، همچون یک پارادوکس بر مناسبات این حرفه حساس سایه افکنده است؛ تعریف منافع ملی از آن‌گونه که برخی از دولت‌ها را به دست‌یازیدن در قانون مطبوعات و تنگ‌کردن عرصه بر مطبوعات و روزنامه‌نگاران واداشته است با نوع نگاه روزنامه‌نگاران که این منافع را در تبادل آزاد اخبار و اطلاعات برپایه قوانین و شفاف‌بودن فضای نقد جست‌وجو می‌کنند، در تضاد است.

تشکل‌های یک‌دوم روزنامه‌نگاری از زمان پیدایش نخستین روزنامه‌ها در ایران به سهم خود کوشیده‌اند استقلال و سلامت حرفه روزنامه‌نگاری را بیشتر با تاکید بر تلاش‌های صنفی و درون‌زا، حمیت جمعی و داشتن درک درستی از منافع ملی استوار کنند و اساسنامه‌هایی هم برای دستیابی به این هدف در طول دوره‌های مختلف تدوین شدند، اما برآمدن موانع در نتیجه تلاش برخی از دولت‌های سختگیر در جهت محدود‌کردن فضای‌رسانای کوشش‌های پیش‌گفته را عقیم گذاشته است.

پیامدها و آثار عینی سختگیری‌ها در حق روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران که به‌خصوص از برهه تاریخی ۱۳۲۰ شمسی به این‌سو بیشتر اتفاق افتاده، رشد فساد و زویندهای سیاسی و اقتصادی علیه منافع ملی بوده است. در چنین بستری بیمار‌گونه‌ای حرفه روزنامه‌نگاری که همواره باید نگاهبان شفافیت فضای نقد و روشنگری‌ها برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ها و فساد باشد یا به خدمت منافع خصوصی بنگاه‌های اقتصادی درآمده یا به‌مثابه سخنگوی جریان یکسویه دولتی عرض‌وجود کرده است. هردو این وابستگی‌ها در نهایت به زیان مردم و مملکت است.

در برهه‌های گوناگون تاریخ ایران هربار که در نتیجه تحولات اجتماعی فضای بهتر برای آزادی‌های قانونمند سیاسی فراهم شده روزنامه‌نگاران نیز توش و توان بیشتری برای رشد و بالندگی یافته‌اند. از جمله دوره مشخص و تاثیرگذار ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فرصتی تاریخی بود تا مطبوعات ایران و حرفه روزنامه‌نگاری رشد و توسعه را تجربه کنند. معمولاً در این دوره‌ها که در تاریخ معاصر ایران بدیل‌هایی داشته است در آغاز همچون سیلابی خروشان از ناگفته‌ها و برآمدن نفس‌هایی که سال‌ها طالب شفافیت جیس بودند، آمیخته به هیجانات شدید و تندروی‌ها نیز بوده‌اند. با وجود این جریان سالم گفت‌و‌شود و رشد کمی و کیفی مطبوعات، حرفه روزنامه‌نگاری را نیز در این مقاطع زمانی به سوی رشد و بالندگی سوق داد اما کمتر مجال آن پیش آمد تا استقلال و هویت واقعی و قانونمند روزنامه‌نگاری نهادینه شود تا بتواند فارغ از موانع گوناگون به اطلاع‌رسانی شفاف بپردازد و به رشد و بلوغ سیاسی جامعه کمک کند. از جمله افت این دوره‌ها برآمدن روزنامه‌های ساختار شکن و آلوده‌شدن ادبیات روزنامه‌نگاری به هرزه‌درایی و ناپهنجاری‌ها بود که در پشت‌پرده توسط باندها و برای تنگ‌کردن عرصه بر فعالیت‌های قانونی مطبوعات هدایت می‌شدند. به این ترتیب چرخه باطل قفل‌شدن زبان مطبوعات و روزنامه‌نگاران و در پی آن رشد زویندهای سیاسی و اقتصادی به زیان منافع ملی بارها تکرار شده است.

صنوف و تشکل‌های واقعی روزنامه‌نگاری در فرصت‌های ممکن کوشیدند تا با تکیه بر قوانین اساسنامه‌هایی را برای حفظ سلامت و استقلال حرفه روزنامه‌نگاری تدوین کنند. سوگند معروف: با سلاح جمعی به شکار خصوصی نرویم، از دل همین کوشش‌ها برآمد اما شکاف میان آنچه که برخی از دولت‌های وقت برای فعالیت قانونمند روزنامه‌نگاران به‌کار گرفتند و نوع نگاه دست‌اندر کاران این حرفه که همواره طالب شفافیت نقد و تبادل آزاد اطلاعات بر اساس قوانین مصوبه هستند، دست‌یافتن به یک فضای مطلوب اطلاع‌رسانی را دشوار کرده است. بهتر است دستگاه‌های متولی رسانه‌ها نه به صورت قیم‌بلکه همراه روزنامه‌نگاران راهی را بجویند که به صورت قانونمند آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی کشور را برای فعالیت مطلوب روزنامه‌نگاران فراهم کند تا این حرفه به یک روند پایدار و قانونمند برسد.

تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ما تا به امروز این واقعیت را به اثبات رسانده که در غیاب روزنامه‌نگاری سالم و توانمند، فضا برای رشد انواع فسادها به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی مهیا می‌شود. به مصداق مثل معروف: از آب خرد ماهی خرد خیزد، تنگ‌شدن عرصه بر روزنامه‌نگاران روند توسعه را با بحران جدی روبه‌رو می‌کند. تجربه‌های تاریخی برتر از هر واقعیتهی همچون کلیدی گره‌گشا پیش‌روی ماست.

یادداشت

در گذشت حسین شهیدی استاد علوم ارتباطات

شرق: حسین شهیدی، استاد رشته ارتباطات، پژوهشگر ایرانی رسانه‌ها و نویسنده کتاب «روزنامه‌نگاری در ایران: از رسالت تا حرفه» درگذشت. او متولد ۳۱ فروردین ۱۳۳۲ بود و در پی ابتلا به بیماری قلبی، صبح روز پنجشنبه ۲۱ فروردین در آستانه ۶۱سالگی در لندن درگذشت.

شهیدی مدت ۱۸ سال با سرویس جهانی بی‌بی‌سی در بخش‌های فارسی، عربی، اتاق خبر انگلیسی و آموزش روزنامه‌نگاری همکاری کرده بود. حسین شهیدی یکی از بهترین و حرفه‌ای‌ترین خبرنگارها و تهیه‌کننده‌های برنامه‌های رادیویی بود و به ژورنالیست‌های ایرانی و خارجی زیادی آموزش داد.

او پسر جعفر شهیدی، استاد زبان فارسی، مترجم نهج‌البلاغه و رییس سابق موسسه لغت‌نامه دهخدا بود و بر چهار زبان فارسی، انگلیسی، عربی و فرانسه مسلط بود. حسین شهیدی پس از دریافت دیپلم در دانشگاه صنعتی شریف وارد رشته مهندسی شد و سپس با دریافت بورس از دانشگاه آمریکایی بیروت، در رشته مهندسی برق از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد.



او سپس از دانشگاه لندن در رشته اقتصاد فوق‌لیسانس گرفت و دکتری خود را در رشته روزنامه‌نگاری از کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد دریافت کرد. کتاب روزنامه‌نگاری در ایران: از رسالت تا حرفه که پایان‌نامه دکترای حسین شهیدی بود، از کتاب‌های شاخص در زمینه مطبوعات ایران است که در سال ۲۰۰۷ انتشارات راتلج آن را منتشر کرد.

او چندین سال استاد رشته علوم ارتباطات در دانشگاه آمریکایی بیروت بود و در زمینه مسایل حوزه خاورمیانه به‌ویژه ایران، افغانستان، لبنان و فلسطین به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی مقاله‌های تحلیلی می‌نوشت.

حسین شهیدی همچنین مدتی در «یونیمف»، سازمان حمایت از زنان سازمان ملل در افغانستان، برای تربیت خبرنگاران زن افغانستان فعالیت کرد. تدریس در دانشگاه آمریکایی بیروت و نیز دانشگاه اردن از دیگر فعالیت‌های دانشگاهی او بود.

آخرین اثر حسین شهیدی ترجمه کتاب ایرانیان نوشته همایون کاتوزیان به زبان فارسی بود.

او در یک‌سال‌ونیم اخیر به دلیل بیماری تحت درمان بود. حسین شهیدی در زمینه مسایل مربوط به ایران، افغانستان، لبنان، اردن و فلسطین به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی مقاله‌های تحلیلی نوشته بود. از او پسر به نام‌های فرهاد و فرهنگ به یادگار مانده است.



عکس: امیر جدیدی شرقی

سید احمد قمی از نیمه دوم اسفند ۱۳۲۹ کار مطبوعاتی خود را در استان زادگاهش خوزستان با هفته‌نامه دنیا، اتحاد ملی، شورش، قانون و روزنامه باختر امروز شروع کرد و از سال ۱۳۳۲ ضمن شغل معلمی، همکاری خود را با اغلب مجلات وقت از جمله سپید و سیاه، تهران مصور و ترقی و از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۶ با روزنامه کیهان در سطح استان خوزستان ادامه داد و از سال ۱۳۵۲ تا آغاز انقلاب، سرپرستی روزنامه آیندگان در استان خوزستان را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۹ که مقیم رشت شد، به ترتیب با روزنامه‌های ابرار، صبح امروز، جام‌چم و ایران و سایر نشریات صبح کشور کار مطبوعاتی خود را ادامه داد.

هفدهم دی/ نورالدین نوری: از دبیران ارشد روزنامه «اطلاعات» در سال‌های قبل از انقلاب و بنیانگذار نخستین شبکه بزرگ توزیع خبر و روزنامه در ایران. نوری روزنامه‌نگاری را از سال ۱۳۲۴ در روزنامه اطلاعات آغاز کرد و تا زمان انتصاب به‌عنوان سردبیر اخبار شهرستان‌ها و ایجاد صفحات محلی در این روزنامه که هر صفحه در شهر مربوطه توزیع می‌شد، در میزهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و پارلمانی به کار خبر اشتغال داشت. نورالدین نوری کسی بود که در روزنامه اطلاعات، از کار تهیه خبر از پزشکی قانونی و بیمارستان‌ها شروع کرده بود و روزی عنوان «خبرنگار اول پارلمان در ایران» و سال‌ها بعد عنوان «بنیانگذاری نخستین شبکه بزرگ توزیع خبر و روزنامه در شهرستان‌ها» را از آن خود کرده بود.

بیستم و یکم دی/ علیرضا فرهنگند: ۵۲سال از زندگی ۷۳ساله‌اش را در تحریریه روزنامه‌ها و مجله‌ها گذراند. عمر مطبوعاتی او با ۱۸سال کیهان‌نیشینی و ۲۴سال معماری و گرداندگی ده‌ها روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه گذشت. تاریخ نشریه‌های آینده، ابرار، اقتصاد انرژی، امید، امید جوان، بشیر، پژوهشگران، پسته رفسنجان، پیام امروز، جامعه، صبح آزادگان، صنعت حمل‌ونقل، صنعت کفش، صنعت و مطبوعات، عنوان جدول، کیهان، مناطق آزاد، مهندسی و ساخت و خبرگزاری پارس با نام او معنا می‌یابد. زمانی در سال‌های پیش از انقلاب دبیری سرویس بین‌الملل روزنامه کیهان را بر عهده داشت و زمانی هم در راهدانداری و تداوم راه بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات و نشریات تخصصی بعد از انقلاب همراه دوستان سابق و تیم‌های مطبوعاتی نسل بعدی روزنامه‌نگاری ایران بود.

سوم بهمن/ اسفندیار زرکوب تهرانی: شاعر و روزنامه‌نگار مازندرانی. او یکی از پیشکسوتان و خبرنگاران و نویسندگان قدیمی ورزشی مازندران محسوب می‌شد که در بیشتر نشریات مکتوب این استان، فعالیت کرده بود. زرکوب از ۱۶ سالگی وارد حرفه خبرنگاری شده بود و در زمان مرگ، ۵۶ سال سابقه خبرنگاری و فعالیت در عرصه مطبوعات را در کارنامه‌اش داشت.

هفتم بهمن/ اسید یوسف شریفی: از روزنامه‌نگاران پیشکسوت روزنامه کیهان و خبرنگاری پارس بود که در درجات مختلف از خبرنگاری تا دبیر سرویسی فعالیت کرده بود و فعالیت‌های متعددی را در روزنامه‌ها در کارنامه خود داشت. او در سال‌های اخیر مدتی هم با روزنامه اطلاعات همکاری می‌کرد. **هفتم بهمن/ پرتو مهتدی:** روزنامه‌نگار، مترجم و منتقد سینمایی. او که بر دو زبان انگلیسی و فرانسوی مسلط بود، روزنامه‌نگاری مسلط در حوزه سینما بود که سابقه همکاری با مجلات «فیلم» و «دنیای تصویر» را داشت و سال‌ها نیز دبیر سرویس سینمایی جهان هفته‌نامه سینما بود.



کاظم معتمدنژاد



امیر جوهیدی

نگاهی به درگذشتگان مطبوعاتی سال ۱۳۹۲

جای خالی واژه‌پردازان ...



سی‌ویکم شهریور/ جابر معافی: سرپرست خبرگزاری فارس و روزنامه رسالت در مازندران و سخنگوی خانه مطبوعات این استان، معافی از سال ۱۳۸۴ همکاری خود با خبرگزاری فارس را آغاز کرده بود و سال‌های متوالی به‌عنوان سرپرست برتر فارس در سطح کشور انتخاب شده بود.

ششم مهر/ ایمان ابراهیم‌بای‌سلامی: خبرنگار پارلمانی، وی که دانش‌آموخته رشته خبرنگاری دانشکده خبر تهران بود، در طول ۱۰سال گذشته در روزنامه‌هایی چون همشهری، یاس نو، نوروز، حیات‌نو، اعتماد ملی، شرق، همبستگی و چند سایت اطلاع‌رسانی فعالیت داشت.

چهاردهم آبان/ علی محمدی گرمساری: روزنامه‌نگار پیشکسوت با ربع قرن سابقه در حوزه مطبوعات، فعالیت در قامت سردبیر فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر و هفته‌نامه بعثت قم و تبدیل آنها به یکی از نشریات مهم و موثر استان، مسوول صفحه جوانان روزنامه اطلاعات در سال ۶۴، سرپرست روزنامه همشهری در قم، راهدانداری هفته‌نامه ایمان قم، راهدانداری هفته‌نامه سراسری گوناگون به مدیرمسئولی همسرش فاطمه فرهنگندپور، راهدانداری ماهنامه کتاب قم نشریه تعاونی ناشران قم، راهدانداری انتشارات قلم نو و سردبیری گزارش‌نامه داخلی صغیر دفتر حضرت ایتالله صائنی نیز از دیگر فعالیت‌های مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وی بود.

چهاردهم آذر/ کاظم معتمدنژاد: از اساتید و بنیادگذاران علوم ارتباطات در ایران بود و به‌واسطه نقشی که در تدریس و توسعه آکادمیک علوم ارتباطات، روزنامه‌نگاری و روابط عمومی در ایران داشت به «پدر علم ارتباطات ایران» شهره شده بود. معتمدنژاد دکتری حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه سوربن فرانسه و نیز دکتری تخصصی روزنامه‌نگاری از انستیتوی مطبوعات و علوم نظری دانشگاه پاریس داشت و سال‌ها در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی به تعلیم و تربیت دانشجویان و روزنامه‌نگاران مشغول بود. دانشکده‌ای که روزنامه‌نگاران نسل ما و نسل پیش از ما را «روزنامه‌نگار» کرده است؛ روزنامه‌نگارانی که رد پایشان همه‌جا هست؛ روزنامه‌نگارانی که سواد تئوریک و آموزه‌های آکادمیک خود را در این حوزه، مستقیم یا غیرمستقیم از او و نوشته‌هایش دارند، از او و کتاب‌هایش. از جمله آثار او می‌توان به «حقوق مطبوعات»، «ارتباطات بین‌الملل»، «ارتباط جمعی غربی و انقلاب اسلامی ایران: بازنگری انتقادی نظریه‌های غربی توسعه‌بخشی ارتباطات در جهان سوم و تحقیق در پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب»، «ارتباطات در خدمت انسان‌ها: برنامه بزرگ یونسکو برای سال‌های ۸۵-۱۹۸۴»، «ارتباطات و وسایل ارتباطی»، «حقوق ارتباط جمعی»، «روزنامه‌نگاری»، «روش تحقیق در محتوای مطبوعات: با کلیاتی درباره تجزیه و تحلیل در ارتباطات جمعی»، «روش مطالعه و بررسی مطبوعات»، «کتابشناسی ارتباطات جمعی در جهان سوم»، «ماکت‌سازی و صفحه‌بندی»، «مصاحبه و رپرتاژ»، «مطالعات و تحقیقات انتقادی در ارتباطات اجتماعی»، «مطبوعات، تبلیغات و افکار عمومی»، «مطبوعات و وسایل خبری: ارتباطات و مطبوعات در دنیای امروز» و «وسایل ارتباط جمعی»، اشاره کرد.

هفدهم آذر/ اسیدحماد قمی: از روزنامه‌نگاران پیشکسوت گیلان بود که چند دهه مسوولیت دفاتر سرپرستی روزنامه‌های مهم کشور را بر عهده داشته است.



پژمان موسوی

نه! چشم‌مان‌تان را باز و بسته نکنید، به چشمان‌تان فشار نیاورید، اینجا همه رنگ‌ها پریده‌اند. تنها سفید مانده و یک‌عالمه جای خالی. سفید؛ سفیدی که همیشه هم رنگ فشنگی نیست، گاه چشم را می‌زند بی‌رنگی پرنرنگش. برای ما اهالی کلمات، خواندن متن با جمله‌ای با جای خالی‌های بزرگ، خیلی سخت است و به لکنت وامی‌دارد‌مان. چرا که ما خیلی خوب جادوی کلمات را می‌دانیم. مثلاً خیلی خوب می‌دانیم حروف ربطی را چطور توی جمله بنشانیم که فعل خودنمایی کند. یا مثلاً چطور چیزی را حذف کنیم که جمله بیرون‌زدگی نداشته باشد. اما اینجا مهم نیست. مهم این است که می‌دانیم مثلاً اگر روزی خبر آفرین حذف شود، لکنت می‌گیریم. خصوصاً اگر خبر آفرین‌مان از بزرگان باشد؛ بزرگ‌رهایی که یک‌روز خیلی آرام و باطمینانیه از نقطه ته‌خط جمله عبور می‌کنند. آنها پایشان را نمی‌کوبند روی دیگر واژه‌ها. آرام از رویشان قدم برمی‌دارند. نه که پایشان توی آن جمله، وسط آن همه سرگردانی گیر کرده باشد. نه. بزرگ‌ترین‌ها عادت به خودنمایی و شلوغ‌کاری ندارند. کلمات و زمان‌ها را به‌هم نمی‌ریزند. یک‌هوا یک‌روز که سرمان توی هزار توی زندگی گرم بود چمدان که نه، کتاب و دفتر و قلم هم نه، هیچ چیزشان را برمی‌دارند و می‌روند. حالا اما بوی کاغذ و نوشته سرب و جوهر را که نمی‌شود از چیزی زدود. جذب می‌شود توی تن، توی ذهن. توی سلول‌های مرده حتی. بزرگان ناگزیرند کلماتشان را با خود ببرند؛ همان کلماتی که یک‌هوا از جمله‌ای که جمع‌مان را جمع کرده بود حذف می‌شود، حتی اگر هیچ پاک‌کنسی هم دیگر زورش به خالی کسی که دیگر نیست نرسد. بزرگ‌مرد که باشی خالی نبوده‌ت هم می‌شود پنهان‌ای برای حسرت‌خوردن. حالا هم خیلی سخت است. شاید خیلی هم زمان زیادی طول بکشد یکی بیاید واژه بگذارد توی جای خالی‌ها، خواندنی کند جمع‌مان را دوباره. اما امید باید.

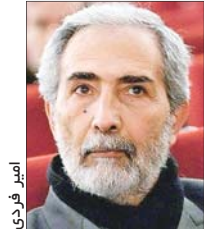
بیستم فروردین/ مهدی رضایی‌مزینانی: شاعر و روزنامه‌نگار، همکاری با مطبوعات را با پارسمانه و فردوسی آغاز کرد و سال ۱۳۵۲ به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد. از سال ۶۴ تا ۸۱ در دبیرخانه هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور مناصب گوناگون داشت که شاخص‌ترین آن گرداندگی موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی نمایه و سردبیری مجله نمایه بود.

پنجم اردیبهشت/ امیرحسین فردی: نویسنده و روزنامه‌نگار، سردبیری «کیهان بچه‌ها» از ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۱، موسس و مدیرمسئول کیهان علمی، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری

هفدهم شهریور/ حناثه زاکانی: خبرنگار گروه اجتماعی خبرگزاری ایرنا، هشت‌سال فعالیت مستمر در حوزه سازمان‌های تأمین‌اجتماعی، بهزیستی، زنان، سازمان نظام پرستاری، بیمه‌ها، آسایشگاه معلولان و سالمندان، شورایعالی ایرانیان خارج از کشور و نظام پزشکی



علی محمدی گرمساری



امیر جوهیدی



حناثه زاکانی



علیرضا فرهنگند



جابر معافی



ایمان ابراهیم‌بای‌سلامی

